

..... الدرس الأول من آيات الأخلاق

مفاهیم کلیدی

۱.۹ واژگان	۲.۹ ترجمه	۳.۹ مفهوم
۴.۹ درک مطلب	۵.۹ مکالمه	۳۴ اسم تفضیل، وزن ها و جمع آن
۳۵ ترجمه اسم تفضیل	۳۶ خیر و شر	۳۷ اسم مکان، وزن ها و جمع آن

..... آزمون تشخیصی مفاهیم کلیدی

بلد بوم بلد بوم

۳۴ عین اسم التفضیل فی العبارات التالية:

(الف) قُدْرَةُ الْكَلَامِ أَقْوَى مِنَ السَّلَاحِ. (ب) الْغَيْبَةُ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاضُّلِ بَيْنَ النَّاسِ.
(ج) إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ. (د) قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا.

(هـ) زَرَعَ الْفَلَّاحُ فِي الْمَزْرَعَةِ الْقَمْحَ وَالْمَحَاصِيلَ الْآخَرَى.

۳۵ تَرْجِمِ اسْمَ التَّفْضِيلِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

(الف) أُريدُ سَراويلَ أُرْخَصَ مِنْ هَذِهِ. (ب) أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.

۳۶ مَيِّزْ اسْمَ التَّفْضِيلِ فِي الْعِبَارَتَيْنِ:

(الف) خَيْرٌ مِنَ الْخَيْرِ فَاعِلُهُ. (ب) شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يُعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ.

۳۷ عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ فِي الْعِبَارَتَيْنِ:

(الف) نَطَالُغْ صَفْحَةَ الْمَصَادِرِ مِنَ الْكِتَابِ. (ب) أَخَذْتُ الْكُتُبَ مِنَ الْمَكْتَبَةِ وَرَجَعْتُ إِلَى بَيْتِ جَدَّتِي.

پاسخ

[۳۴] (الف) أَقْوَى، (ب) أَهَمُّ، (ج) الْأَرَاذِلُ وَالْأَفَاضِلُ، (د) أَحْسَنُ، (هـ) الْآخَرَى

[۳۵] (الف) أُرْخَصَ: ارزان تر، (ب) أَحَبُّ: محبوب ترین / أَنْفَعُ: سودمندترین، (ج) خَيْرًا: بهتر

[۳۶] (الف) خَيْرٌ، (ب) شَرُّ

[۳۷] (الف) مَصَادِرَ، (ب) مَكْتَبَةَ



[حد اکثر زمان مطالعه: ۱۸۰ دقیقه] - زمان شما:

مفاهیم آموزشی

● اَعْلَمُوا: اسْمُ التَّفْضِيلِ وَاسْمُ الْمَكَانِ

۳۴ اسم تفضیل، وزن ها و جمع آن

● اسم تفضیل

اسم تفضیل اسمی است که بر مفهوم برتری کسی یا چیزی، و یا بیشتر یا کمتر بودن صفتی در موردی نسبت به مورد دیگر دلالت دارد. اسم تفضیل معادل «صفت برتر» و «صفت برترین» در زبان فارسی است.

مثال بلندتر (صفت برتر) بلندترین (صفت عالی یا برترین)

● وزن های اسم تفضیل

در زبان عربی اسم تفضیل اگر مذکر باشد بر وزن «أَفْعَل» می آید.

مثال أَصْغَرُ، أَكْثَرُ، أَفْضَلُ

و هر گاه اسم تفضیل مؤنث باشد بر وزن «فُعْلَى» می آید.

مثال صُغْرَى، عُظْمَى، فُضْلَى | الْحَدِيقَةُ الصُّغْرَى: باغ کوچک تر | زَيْنَبُ الْكُبْرَى: زینب بزرگ تر

توجه گاهی وزن اسم تفضیل مذکر بر وزن «أَفْعَى» و «أَفَل» می آید. [وزن «أَفْعَى» و «أَفَل» در حقیقت همان وزن أَفْعَل هستند.]

مثال أَفْعَى:

أَحْلَى: شیرین تر، شیرین ترین | أَبْقَى: ماندگارتر، ماندگارترین | أَتَقَى: پرهیزگارتر، پرهیزگارترین

أَغْنَى: بی نیازتر، بی نیازترین | أَقْوَى: نیرومندتر، نیرومندترین | أَخْفَى: پنهان تر، پنهان ترین

مثال أَفَل: (تشدید معادل دو حرف است که با هم ادغام شده اند: أَفَل ← أَفْلَل)

أَشَدَّ: سخت تر، سخت ترین | أَضَلَّ: گمراه تر، گمراه ترین | أَهَمُّ: مهم تر، مهم ترین

أَصَحَّ: درست تر، درست ترین | أَعَزَّ: عزیزتر، عزیزترین | أَحَقَّ: سزاوارتر، سزاوارترین

● جمع اسم مکان

جمع اسم مکان بر وزن «مَفَاعِل» می آید.

مثال مَكْتَبَة ← مَكَاتِب، مَعْبِد ← مَعَابِد، مَجْلِس ← مَجَالِس، مَسْكَن ← مَسَاكِن، مَنْظَر ← مَنَاظِر، مَزْرَعَة ← مَزَارِع

توجه جمع های مکسری مانند: مَصَالِح، مَفاسِد، مَحاسِن، مَكَارِم، مَفَاخِر، مَبَالِغ، مَوَاعِظ، مَحاسِن، مَرَاجِل اسم مکان نیستند؛ زیرا معنای اسم مکان نمی دهند.

[اختیار نفسک] [صفحه ۹ کتاب درسی]

تَرْجِمِ الْآيَاتِينَ وَالْعِبَارَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ وَاسْمَ التَّفْضِيلِ.

خودت را بیازمای: دو آیه و عبارت را ترجمه کن سپس اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن.

۱- ﴿... وَ جَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ...﴾ [النمل، ۱۲۵]

اسم تفضیل اسم مکان

و با آنها با روشی که نیکوتر است، بحث کن؛ حقیقتاً که پروردگار تو به کسی که از راه او گمراه شد، داناتر است. [جادل: بر وزن «فاعل» فعل امر از باب «مفاعلة»، مفرد مذکر]

۲- ﴿وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾ [الاعلى، ۱۷]

اسم تفضیل اسم تفضیل

درحالی که [جهان] آخرت نیکوتر و پایدارتر است. [آخرة: اسم فاعل بر وزن «فاعلة»، مفرد مؤنث]

۳- ﴿كَانَتْ مَكْتَبَتُهُ جَنْدِي سَابُورَ﴾ فِي خَوْزِسْتَانِ أَكْبَرِ مَكْتَبَتِهِ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ.

اسم مکان اسم تفضیل اسم مکان

کتابخانه «جندی شاپور» در خوزستان، بزرگترین کتابخانه در دنیای قدیم بود. [القدیم: صفت / «خوزستان» و «جندی شاپور» اسم مکان نیستند، زیرا در عربی اسم مکان به اسم هایی گفته می شود که بر یکی از اوزان اسم مکان (مَفْعِل، مَفْعَل و مَفْعَلَة) باشند.]

● ۱.۹ واژگان

● فعل ها

* أَهْدَى: هدیه کرد (أَهْدَى، يُهْدِي، إِهْدَاء)	سَخَّرَ مِنْ: مسخره کرد (سَخَّرَ، يَسَخِّرُ، سُخْرِيَّة) لَا يَسَخِّرُ: نباید مسخره کند
إِتَّقَى: پروا کرد، ترسید (إِتَّقَى، يَتَّقِي، إِتْقَانُ الله: از خدا پروا کنيد	ضَلَّ: گمراه شد (ضَلَّ، يَضِلُّ، ضَلَال / ضَلَالَة)
إِغْتَابَ: غیبت کرد (إِغْتَابَ، يَغْتَابُ، لَا يَغْتَابُ: نباید غیبت کند	عَابَ: عیب جویی کرد، عیب دار کرد (عَابَ، يَعْيبُ، عَيْب) أَنْ تَعِيبَ: عیب جویی کنی
بُئْسَ: بد است	لَا تَعْيِيُوا: عیب جویی نکنید
تَابَ: توبه کرد (تَابَ، يَتُوبُ، تَوْبَةً) لَمْ يَتُوبْ: توبه نکرد	عَذَّبَ: عذاب داد (عَذَّبَ، يُعَذِّبُ)
تَجَسَّسَ: جاسوسی کرد (تَجَسَّسَ، يَتَجَسَّسُ، تَجَسُّس) لَا تَجَسَّسُوا: جاسوسی نکنید	عَسَى: شاید، امید است
* جَادَلَ: بحث کرد (جَادَلَ، يُجَادِلُ، مُجَادَلَة) جَادِلُ: بحث کن	غَلَبَ: چیره شد (غَلَبَ، يَغْلِبُ، غَلَبَة)
حَرَّمَ: حرام کرد (حَرَّمَ، يُحَرِّمُ، تَحْرِيم)	كَانَ: بود (كَانَ، يَكُونُ، أَنْ يَكُنَ: که باشد (جمع مؤنث) أَنْ يَكُونُوا: که باشند (جمع مذکر)
حَسَنَ: نیکو گردانید (حَسَنَ، يُحَسِّنُ، تَحْسِين) حَسَنَتٌ: نیکو گردانیدی	كَرِهَ: ناپسند داشت (كَرِهَ، يَكْرَهُ)
حَيَّ: بشتاب	لَقَّبَ: لقب داد (لَقَّبَ، يُلَقِّبُ، لَا تَلْقَبُوا: لقب ندهید
* سَاءَ: بد شد (سَاءَ، يَسُوءُ، سُوء)	لَمَزَ: عیب گرفت (لَمَزَ، يَلْمِزُ، لَا تَلْمِزُوا: عیب نگیرید

● سایر کلمات

* إِثْمٌ: گناه	سَكِينَةً: آرامش
* إِسْتِهْزَاءٌ: ریشخند کردن (إِسْتِهْزَأَ، يَسْتِهْزِئُ)	عُجِبَ: خودپسندی
بَغَضٌ ... بَغَضٌ: یکدیگر	* فُسُوقٌ: آلوده شدن به گناه (فَسَقَ، يَفْسُقُ)
تَخْفِيفٌ: تخفیف (خَفَّضَ، يُخَفِّضُ)	* فَضَحَ: رسوا کردن (فَضَحَ، يَفْضَحُ)
تَسْمِيَةٌ: نام دادن، نامیدن (سَمَى، يُسَمِّي)	قَدْ: گاهی، شاید
* تَنَابَزَ بِالْأَلْقَابِ: به یکدیگر لقب های زشت دادن (تَنَابَزَ، يَتَنَابَزُ) لَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ: * كِبَائِرُ: گناهان بزرگ	
به یکدیگر لقب های زشت ندهید.	
تَوَّابٌ: بسیار توبه پذیر، بسیار توبه کننده	لَحْمٌ: گوشت
تَوَاضَعَ: ارتباط (تَوَاضَعَ، يَتَوَاضَعُ)	* مَتَجَرَّعٌ: مغازه
خَفِيَ: پنهان	مَيِّتٌ: مرده
رَجُلٌ: انسان، مرد	مِيزَانٌ: ترازو (ترازوی اعمال)
زَمِيلٌ: همکار	نَوْعِيَّةٌ: جنس
سُغَرٌ: قیمت	

● مترادف‌ها

* أَحْسَنَ = خَيْرَ (بهتر، بهترین)	إِنَّقَى = خَافَ (پروا کرد، ترسید)	* اسْتَهْزَأَ = سَخِرَیَّةَ (مسخره کردن)	عُجِبَ = كَبِرَ (خودپسندی)
* السَّعْرَ = الثَّمَنَ (قیمت)	* اِثْمٌ = ذَنْبٌ = خَطِيئَةٌ (گناه)	اِفْتَرَبَ = قُرْبَ (نزدیک شد)	* عَسَى = رُبَّمَا (شاید)
أَهْدَى = أَعْطَى (هدیه کرد، بخشید)	اجْتَنَبَ = اِئْتَعَادَ (دوری کردن، دور شدن)	* عَابَ = لَمَزَ (عیب گرفت، عیب جویی کرد)	مَيِّتٌ = مَيِّتٌ (مرده)

● متضادها

أَكْبَرَ ≠ أَصْغَرَ (بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین ≠ کوچک‌تر، کوچک‌ترین)	خَفِيَ ≠ ظَاهَرَ (پنهان ≠ آشکار)	غَالِي ≠ رَخِيسٌ (گران ≠ ارزان)
أَقَلُّ ≠ أَكْثَرُ (کمتر، کمترین ≠ بیشتر، بیشترین)	خَيْرٌ ≠ شَرٌّ (خوب، خوب‌تر ≠ بد، بدتر)	فَبِيحَةٌ ≠ جَمِيلَةٌ (زشت ≠ زیبا)
أَرَادِلُ ≠ أَفْاضِلُ (فرومایگان ≠ شایستگان)	زَائِدٌ ≠ نَاقِصٌ (به اضافه ≠ منها)	كَرِهٌ ≠ أَحَبُّ (ناپسند داشت ≠ دوست داشت)
أَعْلَى ≠ أَرْخَصُ (گران‌تر، گران‌ترین ≠ ارزان‌تر، ارزان‌ترین)	* سَاءٌ ≠ حَسَنٌ (بد شد ≠ خوب شد)	مَيِّتٌ ≠ حَيٌّ (مرده ≠ زنده)
* أَمْوَاتٌ ≠ أَحْيَاءٌ (مردگان ≠ زندگان)	صَدَقٌ ≠ كَذَبٌ (راست گفت ≠ دروغ گفت)	نِساءٌ ≠ رِجَالٌ (زنان ≠ مردان)
حَرَمٌ ≠ أَحَلٌّ (حرام کرد ≠ حلال کرد)	* صَلَّ ≠ اِهْتَدَى (گمراه شد ≠ هدایت شد)	بَنَى ≠ يَأْمُرُ (باز می‌دارد ≠ دستور می‌دهد)
حُسْنٌ ≠ سُوءٌ (خوبی ≠ بدی)	عُجِبَ ≠ تَوَاضَعَ (خودپسندی ≠ فروتنی)	

● جمع‌های مکسر

* أَشْعَارٌ ← سِغَرٌ (قیمت)	* أَفْضَلُ ← أَفْضَلُ (شایسته‌تر، شایسته‌ترین)	عِبَادٌ ← عَبْدٌ (بنده)	* مَطَاعِمٌ ← مَطْعَمٌ (رستوران)
أَخْلَاقٌ ← خُلُقٌ / خُلُقٌ (اخلاق، خوی)	أَلْقَابٌ ← لَقَبٌ (لقب)	عُيُوبٌ ← عَيْبٌ (عیب)	مَلْعَبٌ ← مَلْعَبٌ (ورزشگاه)
إِخْوَانٌ ← أَخٌ (برادر)	* أَمْوَاتٌ / مَوْتٌ ← مَيِّتٌ (مرده)	فُسْطَانٌ ← فُسْطَانٌ (پیراهن زنانه)	مَوَازِينٌ ← مِيزَانٌ (ترازو)
* أَرَادِلُ ← أَرْدَلٌ (فرومایه‌تر، فرومایه‌ترین)	* بَهَائِمٌ ← بَهِيمَةٌ (چهارپا)	* كِبَائِرٌ ← كَبِيرَةٌ (گناه بزرگ)	مَوَاقِفٌ ← مَوْقِفٌ (ایستگاه)
أَسْبَابٌ ← سَبَبٌ (علت، دلیل)	* ذُنُوبٌ ← ذَنْبٌ (گناه)	* لُحُومٌ ← لَحْمٌ (گوشت)	
أَسْرَارٌ ← سِرٌّ (راز)	* سِرَاوِيلٌ ← سِرْوَالٌ (شلوار)	* مَصَانِعٌ ← مَصْنَعٌ (کارخانه)	

مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ از آیه‌های اخلاق

● ۲.۹ ترجمه

﴿... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ ...﴾ [النِّفَارَات، ۱۲]

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید. [آمنوا: فعل ماضی / اجتنبوا: فعل امر]

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

«به نام خداوند بخشنده مهربان»

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ﴾

* ای کسانی که ایمان آورده‌اید نباید گروهی، گروهی دیگر را مسخره کند. [ترکیب «لا نهی + فعل مضارع (غایب / متکلم)» به صورت «نبايد + مضارع التزامی» ترجمه می‌شود.]

عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُمْ

شاید که [مسخره‌شدگان] بهتر از خودشان باشند و نباید زنانی، زنانی دیگر را [مسخره کنند] شاید که [مسخره‌شدگان] بهتر از آنها باشند. [خَيْرًا: اسم تفضیل (هرگاه «خَيْرٌ + مِنْ» بیاید، «خَيْرٌ» اسم تفضیل است / هرگاه بعد از اسم تفضیل، «مِنْ» بیاید، اسم تفضیل به صورت صفت «برتر» ترجمه می‌شود. «خَيْرًا مِنْ: بهتر از»]

و * لَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ * بئس الاسم الفسوق بعد الإيمان

و از خودتان عیب جویی نکنید و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید. پس از ایمان آوردن، نام آلوده شدن به گناه بد است. [لَا تَلْمِزُوا، لَا تَنَابَزُوا: فعل نهی، جمع مذکر مخاطب]

و * مَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

و هر کس توبه نکند (توبه نکرد) پس آنان همان ستمکارانند. [الظَّالِمُونَ: اسم فاعل، جمع مذکر سالم]

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمان‌ها دوری کنید (پرهیزید). [اجتنبوا: فعل امر، جمع مذکر، باب افتعال]

❖ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا يَغْتَنَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا

بی گمان برخی از گمان ها گناه است و [در کار یکدیگر] جاسوسی نکنید و نباید از یکدیگر غیبت کنید.

❖ أَوْحِبُّ أَحَدَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا

آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادرش را که مرده است بخورد؟! [أَحَدُ: فاعل / لَحْمَ: مفعول]

فَكَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ ﴿۱۱﴾ النِّفَارُ: ۱۱ و ۱۲

[کاری که] آن را ناپسند می شمارید و تقوای خدا را پیشه کنید قطعاً خداوند بسیار توبه پذیر و مهربان است. [تَوَّاب: بسیار توبه پذیر، اسم مبالغه بر وزن «فَعَال»]

قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا،

گاهی میان مردم کسی هست که بهتر از ما است. [«قَدْ» بر سر فعل مضارع به صورت «گاهی، شاید» ترجمه می شود.]

❖ فَعَلِينَا أَنْ نَبْتَغِدَ عَنِ الْعُجْبِ

پس بر ما واجب است که از خودپسندی دوری کنیم. [نَبْتَغِدَ: فعل مضارع، متکلم وحده، باب افتعال]

وَ أَنْ لَا نَذْكَرَ غُيُوبَ الْآخِرِينَ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ أَوْ بِإِشَارَةٍ.

و عیب های دیگران را با سخنی پنهان یا با اشاره ای ذکر نکنیم. [الْآخِرِينَ: اسم تفضیل بر وزن «أَفْعَل»، جمع مذکر سالم]

فَقَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ❖ «أَكْبَرُ الْغَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ».

امیر مؤمنان علی علیه السلام، فرموده است: «بزرگ ترین عیب آن است که [از کسی] عیبی بگیری که مانند آن در خودت هست.» [أَكْبَرُ: اسم تفضیل بر وزن «أَفْعَل» / أَلْغَيْبِ: مضاف الیه (هرگاه اسم تفضیل مضاف واقع شود به صورت صفت «برترین» ترجمه می شود. أَكْبَرُ الْغَيْبِ: بزرگ ترین عیب.)]

تَنْصَحُنَا الْآيَةُ الْأُولَى وَ تَقُولُ لَا تَعْيَبُوا الْآخِرِينَ.

آیه نخست ما را پند می دهد و می گوید: از دیگران عیب جوئی نکنید. [تَنْصَحُنَا: فعل مضارع مفرد مؤنث غایب] + نا (ضمیر متصل متکلم مع الغیر) / الْأُولَى: عدد ترتیبی، اسم تفضیل بر «وزن فُعْلَى»، صفت]

❖ وَ لَا تَلْتَقِبُوهُمْ بِالْقَابِ يَكْرَهُونَهَا. يَتَسَّ الْعَمَلُ الْفُسُوقُ!

و آنها را با لقب هایی که آن را ناپسند می دارند، لقب ندهید. آوده شدن به گناه بدکاری است! [يَكْرَهُونَ: يَكْرَهُونَ (فعل مضارع جمع مذکر غایب) + ها (ضمیر متصل، مفرد مؤنث غایب)]

وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ.

و هر کس آن را انجام دهد پس او از ستمکاران است.

إِذَنْ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ:

بنابراین خداوند بلندمرتبه در این دو آیه حرام کرده است: [تَرْكِب «قَدْ + فعل ماضی» معادل «ماضی نقلی» ترجمه می شود. / حَرَّمَ: بر وزن «فَعَّل» ماضی باب تفعیل، مفرد مذکر غایب]

• الْإِسْتِهْزَاءُ بِالْآخِرِينَ، وَ تَسْمِيَتُهُم بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ.

مسخره کردن دیگران و نامیدن آنها با نام های زشت. [بِالْأَسْمَاءِ: جار و مجرور / الْقَبِيحَةِ: صفت]

• ❖ سَوْءُ الظَّنِّ، وَ هُوَ اتِّهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ آخَرَ بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ.

بدگمانی، و آن تهمت زدن کسی به کسی دیگر بدون دلیل منطقی است.

• ❖ التَّجَسُّسُ، وَ هُوَ مُحَاوَلَةُ قَبِيحَةٍ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ

جاسوسی، و آن تلاشی زشت برای آشکار کردن رازهای مردم، برای رسوا کردن آنهاست [التَّجَسُّسُ: بر وزن «تَفَعَّل» مصدر باب تَفَعَّل / مُحَاوَلَةُ: بر وزن «مُفَاعَلَة» مصدر باب مُفَاعَلَة]

وَ هُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ فِي مَكْتَبِنَا وَ مِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ.

و آن از گناهان بزرگ در مکتب ما و از اخلاق بد است. [مَكْتَبَ: اسم مکان بر وزن «مَفْعَل»]

• ❖ وَ الْغِيْبَةُ، وَ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاضُلِ بَيْنَ النَّاسِ.

غیبت، و آن از مهم ترین دلایل قطع ارتباط میان مردم است. [أَهَمُّ: اسم تفضیل بر وزن «أَفْعَل» / التَّوَاضُلُ: بر وزن «تَفَاعُل»، مصدر باب تَفَاعُل]

سَمَى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجُرَاتِ الَّتِي جَاءَتْ فِيهَا هَاتَانِ الْآيَتَانِ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ.

برخی مفسران، سورة حجرات را که در آن، این دو آیه آمده است سورة اخلاق نامیده اند. [الْمُفَسِّرِينَ: اسم فاعل (مُ... - ...، جمع مذکر سالم)]

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

درباره متن: درست و نادرست را با توجه به متن درس مشخص کن.

۱- سَمَى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجُرَاتِ بِعُرُوسِ الْقُرْآنِ.

۲- حَرَّمَ اللَّهُ فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْإِسْتِهْزَاءَ وَالْغِيبَةَ فَقَطَّ.

۳- الْغِيبَةُ هِيَ أَنْ تَذْكُرَ أَخَاكَ وَأَخْتَكَ بِمَا يَكْرَهُانِ.

۴- إِنَّ اللَّهَ يَنْهَى النَّاسَ عَنِ الشُّحْرِيرَةِ مِنَ الْآخَرِينَ.

۵- السَّغْيُ لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخَرِينَ أَمْرٌ جَمِيلٌ.

(في سوقِ مشهد)

گفت وگو: (در بازار مشهد) [مَشْهَد: اسم مکان، بر وزن «مَفْعَل»]

بَائِعُ الْمَلَابِسِ فروشنده لباس‌ها [بَائِع: اسم فاعل]	الزَّائِرَةُ الْعَرَبِيَّةُ زائر عرب [زَائِرَة: اسم فاعل، مفرد مؤنث]
عَلَيْكُمْ السَّلَامُ، مَرْحَبًا بِكَ. بر شما سلام، خوش آمدی.	سَلَامٌ عَلَيْكُمْ. سلام بر شما.
سِتُونَ أَلْفَ تُومَانٍ. شصت هزار تومان.	كَمْ سَعَرُ هَذَا الْقَمِيصِ الرَّجَالِيِّ؟ قیمت این پیراهن مردانه چند است؟
عِنْدَنَا بِسَعَرٍ خَمْسِينَ أَلْفَ تُومَانٍ. تَفْضَلِي أَنْظُرِي. با قیمت پنجاه هزار تومان داریم. بفرما نگاه کن. [تَفْضَلِي: فعل امر، مفرد مؤنث، باب تَفَعَّلَ / أَنْظُرِي: فعل امر، مفرد مؤنث]	أُرِيدُ أَرْخَصَ مِنْ هَذَا. هَذِهِ الْأَسْعَاُ غَالِيَةٌ. ارزان‌تر از این می‌خواهم. این قیمت‌ها گران است. [أُرِيدُ: فعل مضارع، متکلم وحده / أَرْخَصَ: اسم تفضیل، مفعول]
أَبْيَضُ وَأَسْوَدُ وَأَزْرَقُ وَأَحْمَرُ وَأَصْفَرُ وَبَنَفْسَجِي. سفید، سیاه، آبی، قرمز، زرد و بنفش. [کلماتی مانند: أَبْيَضُ، أَشْوَدُ، ... بر وزن «أَفْعَل» هستند اما اسم تفضیل نیستند، چون بر رنگ دلالت دارند.]	أَيُّ لَوْنٍ عِنْدَكُمْ؟ چه رنگی دارید؟
تَبْدَأُ الْأَسْعَاُ مِنْ خَمْسَةِ وَسَبْعِينَ أَلْفًا إِلَى خَمْسَةِ وَثَمَانِينَ أَلْفَ تُومَانٍ. قیمت‌ها از هفتاد و پنج هزار شروع می‌شود تا هشتاد و پنج هزار تومان. [الْأَسْعَاُ: فاعل]	بِكَمْ تُومَانٍ هَذِهِ الْقَسَاتِينُ؟ این پیراهن‌های زنانه چند تومان است؟
سَيِّدَتِي، يَخْتَلِفُ السَّعَرُ حَسَبَ النُّوعِيَّاتِ. خانم، قیمت براساس جنس‌ها متفاوت است.	الْأَسْعَاُ غَالِيَةٌ! قیمت‌ها گران است!
السَّرَوَالُ الرَّجَالِيُّ بِتِسْعِينَ أَلْفَ تُومَانٍ، وَ السَّرَوَالُ النِّسَائِيُّ بِخَمْسَةِ وَتِسْعِينَ أَلْفَ تُومَانٍ. شلوار مردانه نود هزار تومان، و شلوار زنانه نود و پنج هزار تومان است.	بِكَمْ تُومَانٍ هَذِهِ السَّرَاوِيلُ؟ این شلوارها چند تومان است؟
ذَلِكَ مَتَجَرِّ زَمِيلِي، لَهُ سَرَاوِيلُ أَفْضَلُ. آن مغازه همکارم است، او شلوارهای بهتری دارد. [مَتَجَرِّ: اسم مکان بر وزن «مَفْعَل»]	أُرِيدُ سَرَاوِيلَ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ. شلوارهای بهتر از این می‌خواهم. [أَفْضَلُ: اسم تفضیل، صفت]
في مَتَجَرِّ زَمِيلِهِ... در مغازه همکارش...	
صَارَ الْمُبْلَغُ مِئَتَيْنِ وَثَلَاثِينَ أَلْفَ تُومَانٍ. أُعْطِنِي بَعْدَ التَّخْفِيفِ مِئَتَيْنِ وَ عِشْرِينَ أَلْفًا. مبلغ دویست و سی هزار تومان شد. بعد از تخفیف به من دویست و بیست هزار تومان [تومان] بده. [أُعْطِنِي: فعل امر، مفرد مؤنث] + ن (نون و قایه) + ي (ضمیر متصل متکلم وحده)	رَجَاءً، أُعْطِنِي سَرَوَالًا مِنْ هَذَا النَّوعِ وَ... كَمْ صَارَ الْمُبْلَغُ؟ لطفاً شلوازی از این جنس و... به من بده. مبلغ چقدر شد؟ [أُعْطِنِي: فعل امر، مفرد مذکر] + ن (نون و قایه) + ي (ضمیر متصل متکلم وحده)

✓ x

...x...

...x...

...✓...

...✓...

...x...

التَّمَرِينُ الثَّامِنُ [صفحة ١٦ كتاب درسی]

صَغَ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً .

تمرین هشتم: در جای خالی کلمه‌ای مناسب بگذار.

١- اِشْتَرَيْنَا وَ فَسَاتَيْنَ بِأَسْعَارٍ رَخِيصَةٍ فِي الْمَتَجَرِّ.

شلوارها و پیراهن‌های زنانه‌ای را با قیمت‌هایی ارزان در مغازه خریدیم. [اِشْتَرَيْنَا: فعل ماضی متکلم مع الغیر]

٢- مَنِ الْمُؤْمِنِينَ فَعَلَيْهِ أَنْ يَعْتَذَرَ إِلَيْهِمْ.

هر کس غیبت مؤمنان را کند باید که از ایشان پوزش کرد بخواهد (معذرت بخواهد).

٣- خَمْسَةٌ وَ سِتُونَ نَاقِصٌ ثَلَاثَةٌ وَ عَشْرِينَ يُسَاوِي

شصت و پنج منهای بیست و سه مساوی است با چهل و دو.

٤- أَرَادَ الْمُشْتَرِي السَّعْرِ .

مشتری (خریدار) در قیمت تخفیف خواست (خواستار کاهش قیمت شد).

☐	مَوَاقِفَ	☐	أَشْهُرًا	☒	سَرَاوِيلَ
	(ایستگاه‌ها)		(ماه‌ها)		(شلوارها)
☐	مَدَحَ	☐	إِتَّقَى	☒	إِغْتَابَ
	(مدح کرد؛ بستود)		(پروا کرد)		(غیبت کرد)
☐	أَرْبَعَةٌ وَعَشْرِينَ	☐	إِثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ	☒	إِثْنَيْنِ وَ أَرْبَعِينَ
	(بیست و چهار)		(هفتاد و دو)		(چهل و دو)
☒	تَخْفِيفَ	☐	مَتَجَرَّ	☐	نَوَعِيَّةَ
	(تخفیف دادن)		(مغازه)		(جنس)

تمرین‌های امتحانی

١ تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ:

* (الف) ﴿يَتَسَّسُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ...﴾

* (ب) التَّجَسُّسُ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ.

(ج) أَحْسَنُ زِينَةِ الرَّجُلِ السَّكِينَةُ مَعَ إِيْمَانٍ.

* ٢ أَكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَرَادِفَتَيْنِ وَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ: (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ)

«كَرِهَ - إِثْمٌ - لَمَزَ - ضَلَّ - ذَنْبٌ - إِهْتَدَى»

(الف) = (ب) ≠

٣ عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى:

(الف) ☐ الْقَسَاتِينِ

☐ السَّرَاوِيلِ

☐ الْبَهَائِمِ

(ب) ☐ سَوَاءُ الظَّنِّ

☐ الْإِسْتِهْزَاءِ

☐ الْمَلَايِسِ

☐ الْغِيْبَةِ

☐ التَّوَاصُلِ

٤ أَكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعًا الْكَلِمَتَيْنِ:

(الف) أَشْعَارٌ (مفرد):

٥ تَرْجِمِ هَذِهِ الْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ:

(الف) «... مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ»

* (ب) «... لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا...»

* (ج) «... لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ»

* (د) الْغَيْبَةُ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ.

* (هـ) أَكْبَرُ الْغَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلُهُ.

* (و) التَّجَسُّسُ مُحَاوَلَةٌ قَبِيحَةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِقَضَائِهِمْ.

(ز) أَحَبُّ أَصْدِقَائِي مَنْ هُوَ يَعْمَلُ بِعَهْدِهِ وَ لَا يَلْمِزُ الْآخَرِينَ.

(ح) خَيْرُ إِخْوَانِي مَنْ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِثِّي.

(ط) قُلْتُ لِبَائِعِ الْأَلْبَسَةِ فِي الْمَتَجَرِّ: هَذِهِ الْقَسَاتِينُ غَالِيَةٌ.

٦ اِنتَخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ:

(الف) شَرُّ النَّاسِ ذَوَا الْوَجْهَيْنِ:

(١) مردم بد دارای دو چهره هستند.

* (ب) لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ:

(١) در ترازوی چیزهای سنگین‌تر از خوی نیکو نیست.

٧ كَمِّلِ الْفَرَاغَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ:

(الف) قَدْ يُعَلِّمُ صَدِيقِي مَوْضُوعَاتٍ مُفِيدَةً.

(ب) وَ لَا تَلْقُبُوهُمْ بِالْأَقَابِ يَكْرَهُوْنَهَا.

(ج) فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى فِي هَاتَيْنِ الْأَيْتَيْنِ الْإِسْتِهْزَاءَ بِالْآخَرِينَ.

(د) خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا.

..... دوستم موضوعات سودمندی را.....

[تهران - نمونه‌دولتی فکر - دی ۱۴۰۰] آنها را با لقب‌هایی که آن را.....، لقب ندهید.

..... پس خداوند بلندمرتبه در این دو آیه..... دیگران را.....

[اردبیل - شاهد - دی ۹۹] کارها..... آنها است.

[همدان - مدرسه فخر شاهر - فرورد ۱۴۰۰]

[شیراز - نمونه‌دولتی رازی - فرورد ۱۴۰۰]

[فارس - مدرسه سما - دی ۱۴۰۰]

۸ عَيْنِ اسْمِ التَّفْضِيلِ وَ اسْمِ الْمَكَانِ فِي هَذِهِ الْعِبَارَاتِ:

(الف) ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾

(ب) ذَهَبْنَا إِلَى الْمَطْعِمِ لِأَكْلِ الْغِذَاءِ.

(ج) مَقْبَرَةُ «وَادِي السَّلَامِ» فِي التَّجَفِّ الْأَشْرَفِ مِنْ أَكْبَرِ الْمَقَابِرِ فِي الْعَالَمِ.

(د) خَيْرٌ مِنَ الْخَيْرِ فَاعِلُهُ.

(هـ) أَتَقَى النَّاسَ مَنْ قَالَ الْحَقَّ فِي مَا لَهُ وَ مَا عَلَيْهِ.

(و) تَنْصَحُنَا آيَةُ الْأُولَى.

عَيْنِ الْمَطْلُوبِ:

(الف) ﴿... وَ جَادِلْهُمْ بِآلَتِي هِيَ أَحْسَنُ ...﴾ (فِعْلُ الْأَمْرِ)

(ب) ﴿رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ (اسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اسْمُ الْفَاعِلِ)

(ج) مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ. (الْجَارَّ وَ الْمَجْرُورَ وَ الْفِعْلَ الْمَاضِي)

(د) كَتَبَ التَّلَامِيذُ مَقَالَاتٍ مُهِمَّةً اسْتَفَادُوا لَهَا مِنْ مَصَادِرٍ كَثِيرَةٍ. (اسْمُ الْمَكَانِ)

(هـ) يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ نَكُونَ صَبْرًا فِي حَلِّ الْمُشْكِلِ. (اسْمُ الْمَبَالِغَةِ)

أَكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْجَسَّائِيَّةَ التَّالِيَةَ:

(الف) اِثْنَانِ وَ سَبْعُونَ زَائِدَ ثَمَانِيَّةٍ وَ عَشْرِينَ يُسَاوِي مِئَةً.

(ب) اِثْنَاعَشَرَ فِي خَمْسَةِ يُسَاوِي سِتِّينَ.

(ج) سَبْعٌ وَ ثَلَاثُونَ نَاقِصٌ سِتِّ عَشَرَ يُسَاوِي وَاحِدًا وَ عَشْرِينَ.

اِنتْخِبِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ:

(الف) ﴿..... اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وَشَعَهَا﴾

(ب) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ... وَ لَا أَنْفُسَكُمْ﴾

(ج) أَنَا وَ أَخِي إِلَى مَدِينَةِ طَهْرَانَ أُمْسٍ.

(د) الطَّلَابُ دُرُوسَكُمْ فِي الصَّفِّ.

۱۲ عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ:

(الف) النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا.

(ج) يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ.

(هـ) أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ.

۱۳ صَعُ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدُ الْمُنَاسِبُ: (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ)

(۱) الْحُجَرَاتِ

(۲) التَّوَاصُلِ

(۳) سُوءُ الظَّنِّ

(۴) تَنَازُّرٌ بِالْأَلْقَابِ

(۵) الْمَيْتِ

(۶) الْقَضْحِ

(۷) إِعْتَابِ

۱۴ صَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً:

(الف) عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.

(ب) يَنْسُ الْعَمَلُ

(ج) نِصْفُ الدِّينِ.

(د) أَجْمَلُ مِنَ الْجَمِيلِ

۱۵ عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَأِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ:

(الف) الْكِبَائِرُ هِيَ ذُنُوبٌ صَغِيرَةٌ.

(ب) شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَحْتَنِبُ الْخِيَانَةَ.

(ج) التَّوَابُ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ.

(د) الدُّنْيَا خَيْرٌ وَ أَبْقَى.

[فارس - مدرسة سما - دى ۱۳۰۰]

[تهران - نمونه دولتی سلمان فارسی - دى ۹۹]

[زنگنه - شاهد پیامبر اعظم - فردار ۹۸]

[اراک - نمونه دولتی کوثر - فردار ۱۳۰۰]

☐ لا تَكْلَفُ	☐ لا تَكْلَفُ
☐ تَلْمِزُونَ	☐ تَلْمِزُوا
☐ سَافَرْنَا	☐ نُسَافِرُ
☐ يَتَعَلَّمُ	☐ يَتَعَلَّمُونَ

(ب) مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ.

(د) لَا تَذْكُرُوا غُيُوبَ الْآخِرِينَ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ.

[تهران - مدرسة سوره - دى ۱۳۰۰]

○ إِيْتَاهُمْ شَخْصِي لِمَنْ شِئْتَ آخَرَ بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ.

○ ذَكَرَ مَا لَا يَرْضَى بِهِ الْآخَرُونَ فِي غِيَابِهِمْ.

○ تَسْمِيَةُ الْآخِرِينَ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ.

○ الَّذِي لَيْسَ حَيًّا.

○ إِسْمُهَا سُورَةُ الْأَخْلَاقِ.

[تهران - نمونه دولتی سلمان فارسی - دى ۹۹]

[تنگابن - تیزهوشان شهید بهشتی - دى ۱۳۰۰]

☐ خَيْرٌ	☐ شَرٌّ
☐ الْغَيْبَةُ	☐ الْغَلْبَةُ
☐ حُسْنُ الْخُلُقِ	☐ سُوءُ الْخُلُقِ
☐ قَائِلُهُ	☐ مِثْلُهُ

× ✓

.....

.....

.....

.....

۱۶ صَنَعَ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً:

الف) أُرِيدُ..... مِنْ هَذَا. هَذِهِ الْأَشْعَارُ غَالِيَةٌ.

ب) يَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ.....

*

۱۷ أَجِبْ عَنْ هَذَا السُّؤَالِ:

يَكُمُ تَوْمانِ هَذِهِ السَّرَاوِيلُ؟

☐ رَخِيصَةً ☐ أَرْخَصَ

☐ التَّوَعَّيَاتِ ☐ التَّسْمِيَةِ

[اردبیل - شاهد - دی ۹۹]

• سؤال های ویژه امتحان برای کنکور

۱۸ تَرْجِمِ هَذِهِ الْعِبَارَةَ:

لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَتَجَسَّسُونَ حَتَّى يَكْشِفُوا أَسْرَارَ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ، وَ هَذَا مِنْ أَفْبَحِ الصِّفَاتِ لِلْإِنْسَانِ.

۱۹ عَيِّنِ اسْمَ التَّفْضِيلِ ثُمَّ تَرْجِمِ الْعِبَارَةَ:

خَيْرٌ مِنَ الْخَيْرِ فَاعِلُهُ وَ أَجْمَلُ مِنَ الْجَمِيلِ قَائِلُهُ.

۲۰ عَيِّنِ اسْمَ التَّفْضِيلِ وَ اسْمَ الْمَكَانِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

الف) رَأَيْتُ مَكْتَبَةً فِي مَدِينَتِنَا كَانَتْ مِنْ أَكْبَرِ مَكَاتِبِ الْعَالَمِ.

ج) نَبِئْنَا فِي هَذِهِ الْمِنْطَقَةِ وَ مَعْمَلُنَا فِي ذَلِكَ الشَّارِعِ.

۲۱ عَيِّنِ الْأَنْسَبَ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ:

«هُوَ أَقْرَبُ شَخْصٍ لِي وَ إِنْ كَانَ بَعِيداً مَتَى مَسَافَاتٍ!»

۱) او شخص نزدیکی به من است هر چند که مسافت هایی از من دور شده است!

۲) او اگرچه مسافت ها از من دور شده است ولی شخص نزدیک تر به من اوست!

۳) نزدیک ترین فرد به من کسی است که از من مسافت هایی دور شده باشد!

۴) او نزدیک ترین فرد به من است اگرچه از من مسافت ها دور باشد!

۲۲ عَيِّنِ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْمُ الْمَكَانِ:

۱) أَنشَدَ الشَّاعِرُ شِعْراً جَمِيلاً وَ مَأْخَذَ قَوْلِهِ آيَةً مِنَ آيَاتِ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ!

۳) يُزَيِّنُ النَّاسُ الْمَقَابِرَ وَ لَا يَنْفَعُ مِنْ هَذَا التَّزْيِينِ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ!

۲۳ عَيِّنِ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

۱) لَا مَوْجُودَ فِي الطَّبِيعَةِ إِلَّا أَنَّهُ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْراً كَثِيراً!

۳) إِنَّ أَعْلَى الْمَلَابِسِ لِلْاِغْنَاءِ فَلَا يَلْبَسُهَا كُلُّ أَحَدٍ!

۲۴ عَيِّنِ مَا فِيهِ اسْمُ الْمَكَانِ:

۱) وَصَلَ عَمَّالٌ إِطْفَاءَ الْحَرِيقِ سَرِيعاً مَعَ أَنَّ مَعْبَرَهُمْ مَكَانٌ وَسِيعاً!

۳) كَانَتْ مِهْنَةُ أَخِي مِنَ السَّنَوَاتِ الْمَاضِيَةِ مُصْلِحَ السَّيَّارَاتِ!

۲۵ عَيِّنِ مَا فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

۱) لَا خَيْرَ لَنَا فِي مُصَاحَبَةِ الْإِنْسَانِ الْكَذَّابِ!

۳) جَهَّزَ نَفْسَكَ لِشَرِّ الْأَشْيَاءِ وَ عَلَيْكَ أَنْ تَرْجُو خَيْرَهَا!

۲۶ عَيِّنِ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

۱) بَنَى الْمَدِيرُ سَدّاً بِخَيْرِ الْأَشْيَاءِ مِنَ الْحَدِيدِ وَ التَّحَاسِ!

۳) عَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ لِأَنَّ الْكَثِيرَ خَيْرٌ مِنَ الْقَلِيلِ لِأَدَاءِ الْأَعْمَالِ!

۲۷ عَيِّنِ كَلِمَةَ «الشَّرِّ» لَا يُمَكِّنُ أَنْ تَكُونَ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

۱) جَهَلْنَا شَرّاً أَعْدَانًا إِنْ نَعْرِفَهُ!

۳) لَا شَرَّ إِلَّا أَنْ يُمَكِّنَ دَفْعَهُ بِالْتَّدِيرِ!

۲) إِنَّ الْيَأْسَ شَرُّ الْأَشْيَاءِ لِتَخْرِيبِ حَيَاةِ الْبَشَرِ!

۴) الشَّرُّ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ الْأَعْمَالِ الَّتِي تُبْعَدُنَا عَنْهُ!

۲) كُتِبَ التَّلَامِيذُ مَقَالَاتٍ مِهْمَةً اسْتَفَادُوا لَهَا مِنْ مَوَادِّ كَثِيرَةٍ!

۴) مِهْنَةُ أَبِي صَبْعَةَ جَدّاً. إِنَّهُ يَعْمَلُ مِنَ الصَّبَاحِ حَتَّى اللَّيْلِ!

[تهربى - ۱۴۰۱]

[رياضی - ۱۴۰۱]

۲) فِي السَّنَوَاتِ الْمَاضِيَةِ كَانَتْ لِلْأَكْبَرِ مَدَارِسُ خَاصَّةٍ!

۴) إِنَّ الْيَأْسَ شَرُّ الْأَشْيَاءِ الَّتِي تَمْنَعُنَا مِنَ التَّقَدُّمِ!

[فارغ - ۱۴۰۱]

۲) اسْتَفَادَ الْمَرِيضُ مِنْ مَرْهَمٍ لِدَفْعِ آلامِهِ مِنَ الْحَسَّاسِيَةِ الْجَلْدِيَّةِ!

۴) هَذَا مُحَرَّرٌ جَدِيدٌ يَعْمَلُ أَحْسَنَ مِمَّا كَانَ يَشْبِهُهُ مِنْ قَبْلِ!

[تهربى - ۱۴۰۰]

۲) مَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ!

۴) جَعَلَ اللَّهُ فِي كُلِّ نِعْمَةٍ خَيْراً إِنْ لَمْ نُبَدِّلْهَا إِلَى شَرٍّ.

[فارغ - ۱۴۰۰]

۲) خَيْرُ الصَّدَقَةِ عِلْمٌ نَتَعَلَّمُهُ وَ نُعَلِّمُهُ الْآخَرِينَ فِي حَيَاتِنَا.

۴) فِي كُلِّ شَيْءٍ خَيْرٌ وَ جَمَالٌ لَا تَشَاهِدُهُمَا إِلَّا أَنْ تَنْتَبِهَ إِلَيْهِمَا.

[فارغ - ۹۹]

سؤال تمرین	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷
کد مفاهیم کلیدی	۱.۹	۱.۹	۱.۹	۱.۹	۲.۹	۲.۹	۲.۹	۳.۴	۱۱ ۱۳ ۲۱ ۲۸ ۳۷ ۳۶ ۳۳ ۳۱	۱۷	۱۲ ۱۱ ۲۰ ۱۳	۲۵ ۲۴ ۱۵ ۲۸ ۲۶	۳.۹	۳.۹	۳.۹	۵.۹	۵.۹	۲.۹ ۳.۵	۳.۶	۳.۴	۳.۵	۳.۷	۳.۶	۳.۷	۳.۴	۳.۴	۳.۷

۱ (الف) [۱.۹] آلوده شدن به گناه، ب) گناهان بزرگ، ج) آرامش

۲ (الف) [۱.۹] اِثْمٌ = ذَنْبٌ (گناه)، ب) ضَلَّ بِهِنَّ هَدًى (گمراه شد به هدایت شد)

۳ (الف) [۱.۹] بَهَائِم [ترجمه کلمات به ترتیب: پیراهن‌های زنانه - شلوارها - لباس‌ها - چارپایان] ب) التَّوَّاضِل [ترجمه کلمات به ترتیب: بدگمانی - ریشخند کردن - ارتباط - غیبت کردن]

۴ (الف) [۱.۹] یُسْعِر (قیمت)، ب) لُحُوم (گوشت‌ها)

۵ (الف) [۲.۹] چه کسی ما را از آرامگاه‌مان برانگیخت، این همان است که خدای رحمان وعده داده و پیامبران راست گفته‌اند.

ب) نباید از یکدیگر غیبت کنید، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادرش را که مرده است، بخورد؟!

ج) نباید مردمانی، مردمانی (دیگر) را مسخره کنند، شاید آنها بهتر از خودشان باشند. د) غیبت از مهم‌ترین دلایل قطع ارتباط میان مردم است.

ه) بزرگ‌ترین عیب آن است که از [کسی] عیبی بگیری که مانند آن در خودت، هست. و) جاسوسی تلاشی زشت برای آشکار کردن رازهای مردم برای رسوا کردنشان است. ز) محبوب‌ترین دوستان من کسی است که به پیمان‌ش عمل می‌کند و از دیگران عیب‌جویی نمی‌کند.

ح) بهترین برادران من کسی است که از من به من نزدیک‌تر است. ط) به لباس فروش در مغازه گفتم: این پیراهن‌های زنانه گران است.

۶ (الف) [۲.۹] گَزِیْنَةُ «۲» [بعد از اسم تفضیل (شَرٌّ)، مضاف‌الیه آمده است؛ بنابراین باید به صورت «صفت برترین» ترجمه شود یعنی «بدترین مردم»] ب) گَزِیْنَةُ «۱» [بعد از اسم تفضیل «أَنْقَلُ» حرف جَرِّ «مِنْ» آمده است بنابراین باید به صورت «صفت برتر» یعنی «سنگین‌تر» ترجمه شود نه صفت برترین (سنگین‌ترین). علاوه بر آن «لَیْسَ» به معنای «نیست» می‌باشد.]

۷ (الف) [۲.۹] گاهی - آموزش می‌دهد، ب) ناپسند می‌شمارند، ج) ریشخند کردن - حرام کرده است، د) بهترین - میانه‌ترین

۸ (الف) [۳.۶] خَیْر: اسم تفضیل

ب) [۳.۷] الْمُطْعَم: اسم مکان

ج) [۳.۷] مَقْبَرَة: اسم مکان، [۳.۴] الْأَشْرَف: اسم تفضیل، [۳.۴] أَكْبَر: اسم تفضیل، [۳.۷] الْمُقَابِر: اسم مکان

د) [۳.۶] خَیْر: اسم تفضیل

ه) [۳.۴] اتَّقَى: اسم تفضیل

و) [۳.۴] الْأُولَى بِرِوْزَن «فُعْلَى»: اسم تفضیل

۹ (الف) [۱۳] و [۲۱] جَادِل: فعل امر

ب) [۳.۶] خَیْر: اسم تفضیل، [۳.۱] الرَّاحِمِین: اسم فاعل

ج) [۲۸] مِّنَ الْبَهَائِم: جارو مجرور / [۱۱] غَلَبَتْ: فعل ماضی

د) [۳.۷] مَصَادِر (مفردش: مَصْدَر: اسم مکان)

ه) [۳.۳] صَبَّارًا: اسم مبالغه

۱۰ (الف) [۱۷] ۱۰۰ (= ۲۸ + ۷۲، ب) ۶۰ (= ۵ × ۱۲، ج) ۲۱ = ۱۶ - ۳۷

۱۱ (الف) [۱۲] لَا يُكَلِّفُ «الله» بر مفرد مذکر (غایب) دلالت دارد پس فعل مضارع منفی مناسب آن «لَا تُكَلِّفُ» است. «لَا تُكَلِّفُ» مفرد مؤنث غایب / مفرد مذکر مخاطب است.]

ب) [۱۳] تَلْمِزُوا «یا ایُّها» بر مخاطب اشاره می‌کند و سیاق جمله بر نهی دلالت دارد؛ هرگاه «لا»ی نهی بر سر فعل مضارع بیاید آخر فعل تغییر می‌کند (نون حذف می‌شود) پس فعل نهی مناسب آن «تَلْمِزُوا» است. «تَلْمِزُونَ» فعل مضارع است.]

ج) [۱۱] سَافَرْنَا «أَفْسُ» بر زمان گذشته دلالت دارد پس فعل مناسب آن فعل ماضی «سَافَرْنَا» است. «تَسَافَرُ» فعل مضارع است.]

د) [۱۲] يَتَعَلَّمُ [فعل در ابتدای جمله در صورتی که فاعل، اسم ظاهر (الطَّلَاب) باشد به صورت مفرد می‌آید.]

۱۲ (الف) [۲۵] النَّاس: مبتدا

ب) [۲۸] الظَّالِمِین: مجرور به حرف جر

ج) [۲۴] الْمُحْسِنِین: مفعول

د) [۱۵] خَفِيَ: صفت

ه) [۱۵] عباد: مضاف الیه / [۲۶] أَنْفَع: خبر

۱۳ [۳.۹] [۳] [تَهْمَت زدن کسی به کسی دیگر بدون دلیل منطقی. - بدگمانی]

۷ آنچه را که دیگران در نبودشان با آن خشنود نمی‌شوند، یاد کرد. - غیبت کرد

۴ [نامیدن دیگران با اسم‌های زشت. - به یکدیگر لقب‌های زشت دادن]

۵ [کسی که زنده نیست. - مرده]

۱ [اسم آن (سوره) سوره اخلاق است. - حجرات]

۱۴ (الف) [۳.۹] خَیْر [دشمنی کردن خردمند بهتر از دوستی کردن نادان است.] [شَر: بدتر]

ب) الغِیْبَةُ [غیبت کردن بد است.] [الْغَلْبَةُ: چیره شدن]

ج) حُسْنُ الْخُلُقِ [خوش اخلاقی] [شُوءُ الْخُلُقِ: بد اخلاقی]

د) قَائِلُهُ [زیباتر از زیبا گوینده‌اش است.] [مِثْلُهُ: مانند آن]

۱۵ (الف) [۳.۹] نادرست [کبائر (گناهان بزرگ) همان گناهان کوچک هستند.]

ب) درست [بدترین مردم کسی است که از خیانت دوری نکند.]

ج) درست [بسیار توبه‌پذیر، کسی است که توبه را از بندگانش می‌پذیرد.]

د) نادرست [دنیا نیکوتر و پایدارتر است.]

۱۶ (الف) [۵.۹] أَرْخَصَ [از این ارزان‌تر می‌خواهم. این قیمت‌ها گران است.] (رخِیْصَة: ارزان)

ب) التَّوَعَّيَات [قیمت با توجه به جنس‌ها فرق می‌کند.]

۱۷ [۵.۹] تَسْعِینَ أَلْفَ تومان (یا هر پاسخ دیگری) [این شلوارهای مردانه

چند تومان هستند؟ نود هزار تومان]

سؤالات امتحان شهریورماه: عربی، زبان قرآن (۲)		آزمون شماره (۸)		پایه یازدهم دوره دوم متوسطه		ساعت شروع: ۹ صبح	
نام و نام خانوادگی:				تاریخ امتحان: ۱۴۰۲/۰۶/۰۱		مدت امتحان: ۸۰ دقیقه	
دانش آموزان روزانه داخل و خارج از کشور در نوبت شهریور ماه سال ۱۴۰۲ (با اندکی تغییر)							
ردیف	سؤالات پاسخنامه دارد.						نمره
۱	الف) تَرَجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: خَصَلَتْ عَلَى شَهَادَةِ الدُّكْتُورَةِ فِي الْفَلَسَفَةِ وَالْدِّرَاسَاتِ الْإِسْلَامِيَّةِ : يَلْتَفِتُ التَّلْمِيزُ تَارَةً إِلَى الْوَرَاءِ: ﴿... فَتُضْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً﴾ يَسْتَحْدِمُهَا الْمُزَارِعُونَ كَيْسَاجٍ.						۱
۵	ب) اِقْرَأِ الْعِبَارَاتِ ثُمَّ عَيِّنِ الْمُتَرَادِفَ وَ الْمُتَضَادَّ مِنْهَا: أَتَقَى النَّاسَ مَنْ قَالَ الْحَقَّ فِي مَا لَهُ وَ عَلَيْهِ. إِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ وَ عَلَى الْإِنْسَانِ أَنْ يَحْفَظَهُ = ≠						۰/۵
۷	ج) أَكْثَبُ مُفْرَدٌ أَوْ جَمْعُ الْكَلِمَتَيْنِ لِمَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطٍّ: كَمْ سَعِيرٌ هَذَا الْقَمِيصِ الرَّجَالِي؟ (الجمع) : أُرِيدُ هَذِهِ الْأَدْوِيَةَ. (المفرد):						۰/۵
۹	د) عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى: جُدُوع ☐ أَغْصَان ☐ مَقَال ☐ أَثْمَار ☐ نِسَاء ☐ رِجَال ☐ أَسَاوِر ☐ أَوْلَاد ☐						۰/۵
۱۱	هـ) تَرَجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ ...﴾						۰/۷۵
۱۲	﴿... يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ﴾						۰/۷۵
۱۳	رَائِحَةُ شَجَرَةِ النَّفْطِ كَرِيهَةٌ تَهْرُبُ مِنْهَا الْحَيَوَانَاتُ.						۰/۵
۱۴	قُمْ لِلْمُعَلِّمِ وَفِيهِ التَّبَجُّيلُ / كَادَ الْمُعَلِّمُ أَنْ يَكُونَ رَسُولًا.						۱
۱۵	تَعْلَمُ كُلُّ لُغَةٍ فُتْحَةً إِلَى عَالَمٍ جَدِيدٍ.						۰/۵
۱۶	خَيْرٌ مِنَ الْخَيْرِ فَاعِلُهُ، وَأَجْمَلُ مِنَ الْجَمِيلِ قَائِلُهُ.						۱
۱۷	و) اِنْتِخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ: ذَهَبْتُ إِلَى الْمَتَجَرِّ لِأَشْتَرِيَ بَطَارِيَّةَ لِحْوَالِي.						۰/۵
۱۸	الف) به مغازه رفتم باید باتری برای تلفن همراهم بخرم. ب) به مغازه رفتم تا باتری ای برای تلفن همراهم بخرم. سافرتش را به روستا سفر کرد که عکسش را در روزهای کودکی اش می دید. الف) به روستایی سفر کرد که عکسش را در روزهای کودکی اش دیده بود. ب) به روستایی سفر کرد که عکسش را در روزهای کودکی اش دیده بود.						۰/۵
۱۹	ز) كَمِّلِ الْفَرَاغَ بِالتَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ: ﴿وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾ و هرچه از نیکی برای آن را نزد خدا إِنَّ بَيْعَ الْحُبُوبِ الْمُسَكَّنَةِ بِدُونِ وَصْفَةٍ غَيْرِ مُسْمُوحٍ.						۱/۵
۲۰	همانا قرص های آرامش بخش بدون است .						
«ادامه سؤالات در صفحه دوم»							

۱	(ح) تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا خُطًّا: ۲۱ لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ: ۲۲ لَمْ يَنْجُحْ بُلْ حَسِرَ: ۲۳ وُلِدَتْ شَيْمِلُ فِي «أَلْمَانِيَا»: ۲۴ لَنْ أَكْتُبَ رِسَالَةً:	
۰/۵	(ط) عَيِّنْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ: (الماضي، المضارع، الأمر، النهي) ۲۵ اللَّهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي:	
۰/۵	(ی) عَيِّنْ فِعْلًا يُعَادِلُ الْمَضَارِعَ الْإِلْتِزَامِي فِي اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ: ۲۶ ☐ يُنْفِقُ ☐ لَمْ يُنْفِقْ ☐ كَي يُنْفِقَ ☐ لَا يُنْفِقُ ۲۷ عَيِّنْ فِعْلًا يُعَادِلُ الْمَاضِي الْمُنْفِي فِي اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ: ☐ لَا يَجْتَهِدُ ☐ لِيَجْتَهِدَ ☐ لَمْ يَجْتَهِدْ ☐ لِيَجْتَهِدْ	
۰/۵	(ك) عَيِّنْ اسْمَ التَّفْضِيلِ وَاسْمَ الْمَكَانِ فِي الْعِبَارَتَيْنِ: ۲۸ اِتَّقُوا مَوَاضِعَ التَّهْمِ: ۲۹ قُدْرَةُ الْكَلَامِ أَقْوَى مِنَ السَّلَاحِ:	
۰/۵	(ل) اِنتَخِبْ فِي الْفَرَاغِ عِدَدًا مَنَاسِبًا: ۳۰ خَمْسَةَ فِي سِتَّةٍ يُسَاوِي: ۳۱ أَرْبَعَةَ عَشَرَ نَاقِصٌ اثْنَيْنِ يُسَاوِي: ☐ أَرْبَعُونَ ☐ ثَلَاثُونَ ☐ اِثْنِي عَشَرَ ☐ ثَلَاثَةَ عَشَرَ	
۰/۵	(م) اكْمِلْ تَرْجَمَةَ هَذِهِ الْجُمْلَةِ حَسَبَ قَوَاعِدِ الَّتِي قَرَأْتَهَا حَوْلَ الْجُمْلَةِ بَعْدَ النَّكْرَةِ: ۳۲ رَأَيْتُ وَلَدًا يَمْشِي بِسُرْعَةٍ: (پسری را دیدم به سرعت)	
۱	(ن) اِنتَخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ: ۳۳ ﴿هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ ☐ (الف) باید خارج کند ☐ (ب) خارج می کند ☐ (ج) تا خارج کند ۳۴ ﴿وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ﴾ ☐ (الف) امر می کند ☐ (ب) امر کند ☐ (ج) امر می کرد ۳۵ ﴿لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ ☐ (الف) اندوهگین نشد ☐ (ب) اندوهگین نباش ☐ (ج) اندوهگین نمی شود ۳۶ هُوَ إِلَى الْمَلْعَبِ أَمْسِي. ☐ (الف) لَنْ يَرْجِعَ ☐ (ب) مَا رَجَعَ ☐ (ج) لَا يَرْجِعُ	
۱	(س) تَرْجِمِ هَذِهِ الْعِبَارَاتِ: ۳۷ ﴿...فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ...﴾: ۳۸ مَنْ لَا يَسْتَمِعْ إِلَى الدَّرْسِ يَرُشْتُ فِي الْامْتِحَانِ:	
۱	(ع) تَرْجِمِ هَاتَيْنِ الْجُمْلَتَيْنِ حَسَبَ الْقَوَاعِدِ الَّتِي قَرَأْتَهَا فِي مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاكِصَةِ: ۳۹ كَانَتْ شَيْمِلُ قَدْ كَتَبَتْ مَقَالَاتٍ عِلْمِيَّةً: (.....) ۴۰ صَارَ بَابُ الْمَدْرَسَةِ مُغْلَقًا: (.....)	
	(ادامهٔ سؤالات در صفحهٔ سوم)	

۱.۹ واژگان

ریشخند کردن	فَضَح: رسوا کردن
بُئْسَ: بد است	کَبَائِر: گناهان کبیره «مفرد: کبیره»
تَسْمِيَّة: نام دادن، نامیدن	لا تَلْمِزُوا: عیب نگیرید
تَنَابُزٌ بِالْأَلْقَابِ: به یکدیگر لقب‌های زشت دادن	لا يَسَخَرُ: نباید مسخره کند
تَوَاضَل: ارتباط	لَحْم: گوشت «جمع: لُحوم»
سِغَر: قیمت «جمع: أَسْعَار»	مَتَجَر: مغازه
فُسُوق: آلوده شدن به گناه	نُوعِيَّة: جنس

مترادف و متضاد

إِثْم = ذَنْب (گناه)	خَفِيَ ≠ ظَاهِر (پنهان ≠ آشکار)
عَسَى = زَيْمًا (شاید)	عِدَاوَةٌ ≠ صَدَاقَةٌ (دشمنی ≠ دوستی)
عَابَ = لَمَزَ (عیب‌جویی کرد، عیب گرفت)	مَيِّتٌ ≠ حَيٌّ (مُرده ≠ زنده)
	أَفْضَلُ ≠ أَرْدَلُ (شایستگیان ≠ فرومایگان)

۲.۹ ترجمه

ترجمه عبارت‌های مهم متن درس

- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ...﴾: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید نباید گروهی، گروهی دیگر را مسخره کند شاید که [مسخره‌شدگان] بهتر از آن‌ها باشند.»
- ﴿... لَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بُئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ...﴾: «... لا تَلْمِزُوا عیب‌جویی نکنید و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید. پس از ایمان آوردن، نام آلوده شدن به گناه بد است. (نام زشت [بر مؤمن نهادن] بد است.)
- ﴿اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ...﴾: «از بسیاری از گمان‌ها دوری کنید (بپرهیزید) که برخی از گمان‌ها گناه است.»
- ﴿... وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا...﴾: «در کار یکدیگر جاسوسی نکنید و نباید از یکدیگر غیبت کنید.»
- ﴿... أَيْحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ...﴾: «آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادرش را که مرده است بخورد؟ [کاری که] آن را ناپسند می‌دارید.»
- ﴿قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنْهَا...﴾: «گاهی میان مردم کسی هست که بهتر از ماست.»
- ﴿أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلُهُ...﴾: «بزرگ‌ترین عیب آن است که [از کسی] عیبی بگیری که مانند آن در خودت هست.»
- ﴿لَا تَعِيبُوا الْآخَرِينَ وَلَا تَلْقَبُوهُمْ بِالْأَلْقَابِ يَكْرَهُنَّهَا...﴾: «از دیگران عیب‌جویی نکنید و آن‌ها را با لقب‌هایی که ناپسند می‌دارند، لقب ندهید.»
- ﴿بُئْسَ الْعَمَلُ الْفُسُوقُ!...﴾: «آلوده شدن به گناه بد کاری است.»
- ﴿قَدْ حَرَّمَ اللَّهُ التَّجَسُّسَ وَهُوَ مُحَاوَلَةُ قَبِيحَةٍ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضَحِهِمْ...﴾: «و هُوَ مِنْ كَبَائِرِ الذُّنُوبِ فِي مَكْتَنِيَا وَمِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ: خداوند جاسوسی را حرام کرده است و آن (جاسوسی) تلاشی زشت برای آشکار کردن رازهای مردم جهت رسوا کردن آن‌هاست و آن [کار] در مکتب ما از گناهان بزرگ و از اخلاق بد است.»

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ: مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ

قواعد: إِسْمُ التَّفْضِيلِ وَاسْمُ الْمَكَانِ

۳۴ اسم تفضیل، وزن‌ها و جمع آن

اسم تفضیل مفهوم برتری دارد. اسم تفضیل معادل «صفت برتر» و «صفت برترین» در زبان فارسی است.

مثال	وزن	اسم تفضیل (مذکر)
أَحْسَنُ: نیکوتر، نیکوترین	أَفْعُل	اسم تفضیل (مؤنث)
حُسْنَى: نیکوتر، نیکوترین	فُعْلَى	

گاهی وزن اسم تفضیل مذکر به این دو شکل می‌آید {أَفْعَى ← أَفْعَى - أَفْعَى} {أَفْعَل ← أَفْعَل - أَفْعَل}

اسم تفضیل در حالت مقایسه (حتی مقایسه بین دو اسم مؤنث) بر وزن «أَفْعَل» می‌آید.

مثال ~~~~~ فاطمة أَضْعَرُّ مِنْ مَرْيَمَ. مؤنث مؤنث

غالباً جمع اسم تفضیل مذکر بر وزن «أَفَاعِل» است.

مثال ~~~~~ أَفْضَلُ - أَفْضَلُ جمع ← أَفْضَلُ

۳۵ ترجمه اسم تفضیل

۱- معنای «برتر»: اسم تفضیل + مِنْ

مثال ~~~~~ أَرِيدُ أَنْ أَخْصَّ مِنْ هَذَا: ارزان‌تر از این می‌خواهم.

۲- معنای «برترین»: اسم تفضیل + مضاف‌الیه

مثال ~~~~~ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْخَلَالِ: برترین کارها، کسب روزی حلال است.

۳۶ خَيْرٌ وَشَرٌّ

غالباً اگر بعد از دو کلمه «خَيْرٌ» و «شَرٌّ» حرف جز «مِنْ» یا «مضاف‌الیه» بیاید اسم تفضیل هستند.

خَيْرٌ / شَرٌّ + مِنْ = صفت برتر

مثال ~~~~~ ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ شب قدر بهتر از هزار ماه است.

خَيْرٌ / شَرٌّ + مضاف‌الیه = صفت برترین

مثال ~~~~~ شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ: بدترین مردم کسی است که پایبند به امانت نباشد.

۳۷ اسم مکان، وزن‌ها و جمع آن

اسم مکان بر مکان دلالت دارد و بر سه وزن می‌آید {مَفْعَل: مَتَجَر (مغازه) - مَرْقَد (آرامگاه) مَفْعِل: مَسْجِد (مسجد) - مَغْرِب (مغرب) مَفْعَلَة: مَرْزَعَة (کشتزار) - مَدْرَسَة (مدرسه)}

اسم مکان بیشتر بر وزن «مَفْعَل» و گاهی بر وزن «مَفْعِل» و «مَفْعَلَة» می‌آید. جمع اسم مکان بر وزن «مَفَاعِل» است.

مثال ~~~~~ مَرْزَعَةٌ ← مَزَارِع، مَجْلِس ← مَجَالِس

۳۹ فعل شرط و جواب شرط و ترجمه آن‌ها

گاهی جواب شرط به صورت جمله اسمیه می‌آید که در این صورت معمولاً بعد از حرف «ف» می‌آید.

مثال إِنَّ يَقْطَعُ أَحَدُ كَلَامِ الْآخِرِينَ فَهُوَ قَلِيلُ الْأَدَبِ.

ادوات شرط فعل شرط جواب شرط

معنای فعل شرط و جواب آن، تحت تأثیر ادوات شرط تغییر می‌کند، به این صورت که:

۱- اگر فعل و جواب شرط مضارع باشند، فعل شرط به صورت «مضارع التزامی» و جواب شرط به صورت «مضارع اخباری» ترجمه می‌شود.

مثال إِنَّ تَتَكَاسَلُ تَتَخَسَّرُ.

ادوات شرط فعل شرط جواب شرط

اگر تنبلی کنی، زیان می‌بینی.

مضارع التزامی مضارع اخباری

۲- اگر فعل و جواب شرط ماضی باشند، می‌توان فعل شرط را به صورت «مضارع التزامی» و جواب شرط را به صورت «مضارع اخباری» ترجمه کرد.

(ترجمه به صورت ماضی نیز صحیح است.)

مثال مَنْ حَاوَلَ كَثِيرًا وَصَلَ إِلَى هَدَفِهِ.

ادوات شرط فعل شرط جواب شرط

هر کس بسیار تلاش کند به هدفش می‌رسد.

مضارع التزامی مضارع اخباری

هر کس بسیار تلاش کرد به هدفش رسید.

ماضی ماضی

«إذا: هرگاه، اگر» نیز معنای شرط دارد.

مثال إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا

هرگاه نادانان آنان را خطاب کنند سخن آرام می‌گویند.

۱.۱۰ واژگان

إِسْتَمَعَ: گوش فرا داد	سَبَّوْرَة: تخته
إِنْتَزَمَ: پایبند شد	صَرَّ: زیان رساند
إِلْتِفَات: روی برگرداندن	عِلْمُ الْأَحْيَاءِ: زیست‌شناسی
تَبَجُّعِل: بزرگداشت	قُم: برخیز
تَعَنُّت: مچ‌گیری	مُشَاغِب: شلوغ‌کننده و اخلالگر
جَصَّة: زنگ درسی، قسمت	هَمَس: آهسته سخن گفت

• مترادف و متضاد

تَارَةً = مَرَّةً (یکبار)	هَرَبَ = فَرَّ (فرار کرد)
حُبَّ = وَدَّ (دوستی)	دَنَا = بَعَدَ (نزدیک شد ≠ دور شد)
تَبَجُّعِل = اِخْتَرَام (بزرگداشت)	سَكَتَ = تَكَلَّمَ (ساکت شد ≠ صحبت کرد)

۲.۱۰ ترجمه

• ترجمه عبارت‌های مهم متن درس

- فِي الْحِصَّةِ الْأُولَى كَانَ الطُّلَابُ يَسْتَمِعُونَ إِلَى كَلَامِ مُدَرِّسِ الْكِيمِيَاءِ: در زنگ اول دانش‌آموزان به سخن معلم شیمی گوش می‌دادند.

- كَانَ يَبْتَغِيهِمْ طَالِبٌ مُشَاغِبٌ قَلِيلُ الْأَدَبِ، يَضُرُّ الطُّلَابَ بِسُلُوكِهِ: در میان آن‌ها دانش‌آموز اخلالگر و بی‌ادبی بود که با رفتار خود به دانش‌آموزان زیان (آسیب) می‌رساند.

• ترجمه عبارت‌های مهم «اعلموا» و تمرین

- «أَحْسَنُ زِينَةِ الرَّجُلِ السَّكِينَةُ مَعَ إِيْمَانٍ»: بهترین زینت انسان، آرامش همراه ایمان است.

- «خَيْرٌ مِنَ الْخَيْرِ فَاعْلُهُ، وَ أَجْمَلُ مِنَ الْجَمِيلِ قَائِلُهُ»: بهتر از خوبی انجام دهنده‌اش است و زیباتر از زیباگوینده‌اش می‌باشد.

- «خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ»: بهترین برادران (دوستان) شما کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند (کرد).

- «... وَ جَادِلُهُمْ بِأَلْفِ هِي أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ صَلَ عَنْ سَبِيلِهِ...»: با آن‌ها با [روشی] که نیکوتر است، بحث کن؛ یقیناً پروردگار تو به کسی که از راه او گمراه شد، داناتر است.

- «اللَّهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي»: خداونداهمان‌طور که آفرینشم را نیکو گردانیدی، پس اخلاقم را (نیز) نیکو گردان.

- «... مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقِدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ»: چه کسی ما را از آرامگاه‌هایمان برانگیخت این همان [چیزی] است که خدای رحمان وعده داد و پیامبران راست گفته‌اند.

• ترجمه عبارت‌های مهم «جوار»

- كَمْ سِعْرُ هَذَا الْقَمِيصِ الرَّجَالِي؟ سِتُونَ أَلْفَ تُوْمَانٍ: قیمت این پیراهن مردانه چند است؟ شصت هزار تومان.

- يَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ التَّوَعَّيَاتِ: قیمت براساس جنس‌ها متفاوت است.

- ذَلِكَ مَتَجَرُّ زَمِيلِي، لَهُ سَرَاوِيلُ أَفْضَلُ: آن مغازه همکارم است. او شلوارهای بهتری دارد.

- أَعْطَيْتَنِي بَعْدَ التَّخْفِيفِ مِئَتَيْنِ وَ عِشْرِينَ أَلْفًا: بعد از تخفیف به من دویست و بیست هزار تومان بده.

۳.۹ مفهوم

• جدول تعریف کلمات

الْمَيْتُ	الَّذِي لَيْسَ حَيًّا.
الْكِبَائِرُ	الذُّنُوبُ الْكَبِيرَةُ.
التَّوَابُ	الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ.
تَنَائُرٌ بِالْأَلْقَابِ	تَسْمِيَةُ الْآخِرِينَ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ.
حَرَمٌ	جَعَلَهُ حَرَامًا.
إِغْتَابٌ	ذَكَرَ مَا لَا يَزُيُّ بِهِ الْآخَرُونَ فِي غِيَابِهِمْ.
سَوْءُ الظَّنِّ	إِتِّهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ آخَرَ بِدُونِ دَلِيلٍ مُنْطَقِيٍّ.
التَّجَسُّسُ	مُحَاوَلَةُ قَبِيحَةٍ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ.
الْغَيْبَةُ	هِيَ أَنْ تَذْكُرَ الْآخِرِينَ بِمَا يَكْرَهُونَ.

الدَّرْسُ الثَّانِي: فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ

• قواعد: أُسْلُوبُ الشَّرْطِ وَأَدَوَاتُهُ

۳۸ اسلوب شرط / ادوات شرط

مهم‌ترین ادوات شرط عبارت‌اند از: «مَنْ: هرکس، ما: هرچه، إِنْ: اگر» معمولاً این ادوات بر سر عبارتی می‌آیند که دو فعل دارد، فعل اول، فعل شرط و فعل دوم، جواب شرط نام دارد.

ادوات شرط + فعل شرط + جواب شرط

مثال مَنْ يَذَرُشْ يَنْجَحْ.

ادوات شرط فعل شرط جواب شرط

إِنْ تَذَرِسُوا تَنْجَحُوا.

ادوات شرط فعل شرط جواب شرط